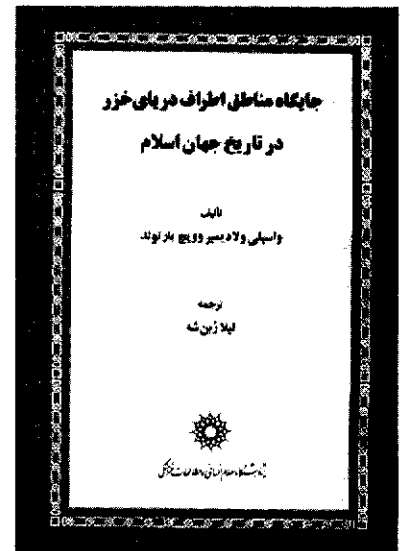


# جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام

از منظر واسیلی ولادیمیروویچ بارتولد



- جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام
- تألیف: واسیلی ولادیمیروویچ بارتولد
- ترجمه: لیلا ربین شه
- ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵

● ناهید بهزادی

**جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام «عنوان مجموعه سخنرانی‌های شرق شناسی و آکادمیسین گرانمایه روسی، واسیلی ولادیمیر بارتولد می باشد که به تاریخ نوامبر و دسامبر ۱۹۲۴ در دانشگاه باکو ایراد گردیده است»**

**انسجام و انتظام مطالب، مرجع شناسی دقیق و استناد به منابع اصلی با نظری انتقادی و بررسی تطبیقی تحولات در اروپا و آسیای میانه از ویژگی های مجموعه حاضر است**

کراکوف از دانش مورخان برجسته‌ای مانند مولر و نولدکه بهره برد. وی در سال ۱۹۰۰ م. با دفاع از رساله خود با عنوان تز کستان در عهد هجوم مغولان به اخذ درجه دکتری در تاریخ شرق نائل گردید و پس از آن از سال ۱۹۰۶ تا زمان مرگش در سال ۱۹۳۰ وظایف مختلفی را چون استادی دانشگاه سن پترزبورگ، دبیر دانشکده زبان‌های شرقی، عضویت فرهنگستان علوم، دبیری شعبه شرقی انجمن باستان‌شناسی روس، سردبیری یادداشت‌های شعبه شرقی انجمن باستان‌شناسی روس و «سردبیری مجله عالم اسلام» برعهده گرفت.

سخنرانی‌های بارتولد درخصوص تاریخ مناطق ساحلی دریای خزر اگرچه تنها پس از چهل سال در سال ۱۹۶۳ به همراه نظرات منتقدانه دو تن از اعضای هیئت تحریریه به نام‌های استاویسکی و برگل در مسکو به چاپ رسید و حدود سی سال بعد در ایران به فارسی برگردانده شده، در سال ۱۹۹۶ منتشر گردید، اما مرور ایام نه تنها مطالب را کهنه نموده که چیرگی، تسلط، دانش و آگاهی این مورخ را بیشتر نمایانده است. برخی ویژگی‌های برجسته این مجموعه چون انسجام و انتظام مطالب، مرجع‌شناسی دقیق و استناد به منابع اصلی با نظری انتقادی و بررسی تطبیقی تحولات در اروپا و آسیای میانه ما را بر آن داشت که به معرفی و ارزیابی این اثر بپردازیم.

بارتولد در این سخنرانی‌ها به بررسی موقعیت مناطق ساحلی دریای خزر از روزگار باستان تا قرن هفدهم میلادی پرداخته است. در سخنرانی اول او ضمن بررسی مهاجرت اقوام گوناگون که به طور عمده در دو نقطه شبه‌جزیره عربستان و آسیای میانه متمرکز شده بود، به دو امپراطوری بابل - آشور و ماد - پارس و رابطه آنها با مناطق ساحلی دریای خزر پرداخته و آنها را آغازی بر تاریخ آسیای مقدم تا قبل از حمله اسکندر دانسته است. او می‌گوید: راجع به فرهنگ پادشاهان ماد. پارس بی‌گمان می‌توان مدعی شد که اگر چه به دلیل کوه‌های بلند و جنگل‌های انبوه نزدیک کرانه دریای خزر این مناطق خارج از راه اصلی رفت و آمد اقوام قرار داشته اما مهاجرت آریانیان از شرق به غرب و از طریق مناطق کرانه دریای خزر به سمت جنوب صورت گرفته است.<sup>۱</sup>

در این سخنرانی او در پاسخ به پرسشی درخصوص واژه توران عنوان می‌کند:

این نام در اوستا آمده است و گفته می‌شود تورانیان شاخه‌ای از قوم آریایی با فرهنگی نازلتر بوده‌اند. میان دو قوم آریان و توران دشمنی وجود داشته است. هنگامی که در سده ششم میلادی ترکستان به زیر سلطه ترکان درآمد این دو واژه با یکدیگر درآمیختند و نام توران بر ترکها اطلاق شد.<sup>۲</sup>

در سخنرانی دوم بارتولد ضمن ارزیابی عواقب لشکرکشی‌های اسکندر، به اوضاع سواحل دریای خزر در این دوره می‌پردازد. او نتایج حمله اسکندر را خلاف انتظارش دانسته و چنین می‌گوید: «پس از این لشکرکشی یک امپراطوری جهانی و در کنار آن چند قوم آزاد و مستقل جدا از امپراطوری پدید نیامد، بلکه دو امپراطوری شرق و غرب تأسیس گردید که هر یک مدعی سیادت بر جهان بودند.»<sup>۳</sup> وی جنبش‌هایی را که در روزگار جانشینان اسکندر در آسیای صغیر و ارمنستان به

جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام عنوان مجموعه سخنرانی‌های شرق شناس و آکادمیسین گرانمایه روسی واسیلی ولادیمیر بارتولد می‌باشد که به تاریخ نوامبر و دسامبر ۱۹۲۴ در دانشگاه باکو ایراد گردیده است. در این مجموعه بارتولد پیرامون تاریخ مناطق ماوراء قفقاز و نواحی مجاور دریای خزر، به ویژه آذربایجان، داغستان، مازندران و گرگان بحث نموده و به تاریخ مناسبات اران (جمهوری آذربایجان) با همسایگان ساکن اطراف دریای خزر و ارتباط متقابل آن با مناطق آسیای مرکزی و اطراف ولگا پرداخته است.

بارتولد در سال ۱۸۶۹ م. در سن پترزبورگ و در خانواده‌ای آلمانی تبار متولد شد. او در جوانی با فراگیری زبان‌های کلاسیک به مطالعه تاریخ روی آورد و از سال ۱۸۸۷ م. به طور رسمی تحصیل در زمینه تاریخ کشورهای خاورمیانه و نزدیک را آغاز نموده، همزمان به آموختن زبان‌های عربی، فارسی، ترکی و تاتاری در دانشکده زبان‌های شرقی دانشگاه سن پترزبورگ پرداخت. بارتولد با سفر به کشورهای متعددی چون فنلاند، آلمان، اطریش، سوئیس، ایتالیا، مجارستان و

منظور تضعیف دودمان سلوکیان روی داد و نیز تشکیل دولت ارمنستان را در سده نخست پیش از میلاد، برای تاریخ سواحل خزر حائز اهمیت تلقی می‌کند. بارتولد به مقایسه وضعیت دو امپراطوری روم و ساسانی در عرصه جهانی پرداخته و موقعیت برتر ساسانیان در زمینه بازرگانی را که حاصل انحصار تجارت با هند و خاور دور بود، سبب احراز جایگاه برتر فرهنگی دانسته است. اعزام سفیر از سوی چینیان به آسیای مرکزی در سده دوم پیش از میلاد به منظور یافتن متحدی در پیکار با اقوام کوچنده منجر به آغاز تجارت چین و به ویژه صدور ابریشم این کشور به غرب گردید. تجارتی که در انحصار پارتیان و سپس ساسانیان قرار داشت. بارتولد به گونه‌ای روشمندانه و منسجم تأثیر تمرکز راه‌های بازرگانی در گسترش شهرنشینی و تضاد شهرنشینی با ساختار صنفی و گروه‌بندی اجتماعی جامعه ساسانی که آیین زرتشتی مدافع آن بود بررسی نموده و جنبش زاهدانه مانی و نهضت مساوات‌طلبانه مزدک را نتیجه چنین تضادی دانسته است. به باور او ماحصل این حرکتها استقرار نظام نوین اجتماعی بود که ارتقاء قشر شهریگان و سلطه کامل دیهگانان بر کشاورزان از ویژگی‌های آن به شمار می‌رفت. وی همچنین پیامد تحولات ایران را در اوضاع استان‌های کرانه دریای خزر و آلبانیای قفقاز، نقش اقوام کوچنده شمالی چون آلان‌ها و هون‌ها در مناسبات آلبانها و حکومت مرکزی در ایران و نیز تأثیر امپراطوری ترکان - که در حدود نیمه دوم قرن ششم از حدود چین تا اروپای شرقی را در تصرف داشتند - در روابط دو امپراطوری ساسانی و روم شرقی که تا حدودی تابع منافع بازرگانی این کشورها بود، ارزیابی می‌کند.

بارتولد در سخنرانی سوم ضمن بررسی اوضاع مذهبی منطقه در جریان حمله اعراب به روند اسلامی شدن سواحل دریای خزر و نیز مقایسه تحولات اجتماعی در قسمت‌های مختلف منطقه توجه می‌نماید. به باور او مبارزه با ساختار طبقاتی منسوخ در جامعه ساسانی، در طبرستان و مازندران به دلیل عقب‌ماندگی نوع زندگی و نیز حاکمیت قاطع اشراف جنگی و کشاورزی شدیدتر از سایر مناطق دریای خزر بوده، حال آنکه در استان‌های جنوبی خزر اندیشه جنبش مردمی با آرمان پادشاهی ایرانی درآمیختگی داشته است. او وقوع جنبش‌های ارضی را در نواحی‌ای که تحت حاکمیت و تابعیت مستقیم ساسانیان قرار داشتند در مقایسه با مناطقی که از خودمختاری محدودی برخوردار بودند، بیشتر می‌داند. بارتولد ضمن بازبینی انتقادی آثار جغرافی‌نگاران قرون نخستین اسلامی به رونویسی مؤلفان عرب از سخنان جهانگردان بدون ذکر منابع و مأخذ و در نتیجه به خطا رفتن محققان اشاره می‌نماید، او می‌گوید:

ما اغلب در اثر یک مؤلف قرن پانزدهم به خبری برمی‌خوریم که از سخنان مؤلف قرن دهم است حال آنکه اشاره‌ای به این موضوع نشده است. چنین اعمالی اغلب باعث گمراهی دانشمندان اروپایی می‌شد. مؤلفی می‌نویسد که فلان شهر در مرحله شکوفایی قرار دارد، حال آنکه

موضوع مربوط به قرن دیگری است. از این رو نوشته‌های مؤلفان عرب را باید با احتیاط تلقی کرد.<sup>۴</sup> او در ادامه با استناد به اصطخری که به باورش او نخستین جغرافی‌نگاری بود که جهان اسلام را به صورتی کم و بیش کامل وصف کرد. اصطخری مناطق ساحلی خزر را به سه بخش تقسیم نمود که عبارتند از: مناطق ساحلی جنوبی دریای خزر، سه منطقه ارمنستان، اران و آذربایجان و دریای خزر یا کاسپی. وی همچنین به ریشه نام طبرستان اشاره نموده و این نام را برگرفته از نام قومی مشهور به تور و نه آن چنانکه بعداً گفته شد از واژه تیر به معنای کوه دانسته است.

### بارتولد در سخنرانی اول ضمن بررسی مهاجرت اقوام گوناگون که به طور عمده در دو نقطه شبه جزیره عربستان و آسیای میانه متمرکز شده بود، به دو امپراطوری بابل - آشور و ماد - پارس و رابطه آنها با مناطق ساحلی دریای خزر پرداخته و آنها را آغازی بر تاریخ آسیای مقدم تا قبل از حمله اسکندر دانسته است

### در سخنرانی دوم بارتولد ضمن ارزیابی عواقب لشکرکشی‌های اسکندر، به اوضاع سواحل دریای خزر در این دوره می‌پردازد

بارتولد در سخنرانی چهارم خویش به شرح وضعیت نواحی اطراف دریای خزر در دوره تهاجم ترکان می‌پردازد. وی ضمن مقایسه سازمان تبلیغی مسیحیت و اسلام به نقش درآویش در ترویج اسلام در میان ترکان صحرائین پرداخته، می‌گوید: «ترکان با سطح فرهنگی که داشتند آسانتر معنویات دینی را پذیرا شدند و به زودی به سلاح خشم خداوند و احیاءکنندگان دین بدل شدند»<sup>۵</sup> او به نقل از کاشغری عنوان می‌کند خداوند به پیامبر فرموده «مرا در شرق سپاهی است که نژک نام دارند، هرگاه بر قومی خشم گیرم این سپاه را بر آنان گسیل خواهم داشت»<sup>۶</sup>. در این گفتار او به مناقشه گرجیان و سلجوقیان بر سر شیروان در سال ۱۱۲۳ م. اشاره می‌نماید. گرجیان در این زمان سلسله باگراتیان را در گرجستان بنا نهادند و بدون اعتنا به حاکمیت سلاطین سلجوقی و سپس اتابکان آذربایجان حکومت می‌کردند. شیروان شاهان در عمل تابع گرجستان بودند و شاهان گرجستان نیز خود را شیروان شاه می‌نامیدند.

بارتولد تشکیل دولت خوارزم را پدیده منحصر بفرد اواخر سده دوازدهم معرفی کرده است، چرا که اگر چه خوارزم غالباً

از استقلال سیاسی برخوردار بود ولی تنها یک یار دولت بزرگی که ادعای ارشدیت بر تمام آسیای اسلامی حتی بغداد را داشته مستقر کرده بود. او تلاش‌های سلطه‌جویانه خوارزمشاه در آسیای شرقی را عامل برخورد با مغولان و در نهایت درهم پیچیده شدن حیات سیاسی آنها دانسته است. در سخنرانی پنجم تأثیر تشکیل، استقرار و فروپاشی دولت خوارزم در مناطق ساحلی خزر بررسی گردیده، اوضاع دهستان - منطقه مرزی کوچکی که توسط انزک آبیاری می‌گردید و در زمان خوارزمشاهیان از اهمیت سیاسی برخوردار شد - و نیز مازندران مورد مذاقه قرار گرفته است. بارتولد در تحلیل استقلال طلبی حکمرانان مازندران در برابر خوارزمشاهیان و نیز ستیز دائمی آنها، تفاوت‌های قومی را اصلی‌ترین عامل دانسته است و می‌گوید:

«رواق پیکار و مبارزه میان فرمانروایان مازندران و خوارزم را باید حاصل تضادهای قومی دانست. در بین اهالی خوارزم جریان ترکی شدن را هرگاه انجام یافته تلقی نکنیم باید آن را در مراحل پیشرفته و نزدیک به اتمام بدانیم. سلاطین خوارزم نیز از دودمان ترکان بودند، حال آن که در مازندران و سواحل جنوبی دریای خزر اثری از عنصر ترک در میان نبود و آداب و سنن ایرانی باشند تمام در این نواحی حفظ می‌شد»<sup>۷</sup>.

او سپس با بررسی مناسبات خلیفه و خوارزمشاه به مبانی نظری تقسیم قدرت بین آن‌ها پرداخته، عنوان می‌کند: «این زمان (در روزگار سلاجقه) به صورت آشکار اندیشه‌ای تبلیغ شد مبنی بر این که باید حاکمیت غیر مذهبی از حکومت مذهبی جدا باشد. خلیفه امام است و اوقات او باید صرف امور دینی شود و او باید منحصرأ به امور دینی بپردازد. حاکمیت خلیفه خدشه‌ناپذیر، ابدی و واقعی است، حال آن که حاکمیت این جهانی یا حکومت فرمانروایان صوری است و قبول آن باعث تحقیر مقام و منزلت خلافت است»<sup>۸</sup>.

او ویژگی مشترک اروپا و جهان اسلام در سده‌های دوازدهم و سیزدهم میلادی را تعارض حاکمیت مذهبی و حکومت اشرافیت غیرمذهبی دانسته و به مقایسه سازمان مذهبی مسلمانان و مسیحیان و تأثیر آن در جایگاه سیاسی پاپ و خلیفه پرداخته است:

«تفاوت پاپ و خلیفه در آن است که در جهان اسلام مقام روحانی عامل خلیفه و نیز سلسله مراتب وجود ندارد. هرگاه پاپ از حکومت بر اشراف محروم می‌شد، با این همه به عنوان رئیس سلسله مراتب معینی که از انضباط لازم برخوردار بود باقی می‌ماند و اعتبار خود را حفظ می‌کرد. حال آن که خلیفه از چنین اهمیت و اعتباری برخوردار نمی‌شد. کشیشان پشتیبان و مدافع پاپ بودند. این همانند وضع سلسله درآویش در جهان اسلام بود. آنها می‌توانستند نیرویی باشند که خلیفه بتواند به آنان متکی گردد ولی در جهان اسلام چنین حادثه‌ای روی نداد»<sup>۹</sup>.

وی سپس به بررسی فرضیه‌های گوناگون در مورد علت تهاجم مغولان به ایران و بغداد پرداخته و در نهایت

اقدامات سلطه‌جویانه خوارزمشاه را اصلی‌ترین عامل ایلغار مغول دانسته است. او به طور مشروح به تأثیر تهاجم و تسلط مغولان در تجارت جهانی و نقش تجار مسلمان در آشنایی مغولان با مناطق اسلامی و نیز در سازمان مالی آنها پرداخته است. مشارالیه کشته شدن ۴۵۰ تن تاجر مسلمان در انزلی را از عوامل گرویدن بازرگانان مسلمان به چنگیزخان می‌داند، گرایشی که بیش از همه به سود بازرگانان بود که بعداً با اشغال بسیاری از مناطق توسط مغولان تصدی امور مالی و گردآوری باج و خراج را برعهده گرفتند. بارتولد به مقایسه سازمان صنفی تجار در اروپا و جهان اسلام پرداخته و به استواری، همبستگی، نظم و انسجام تشکیلات تجاری مسلمانان اشاره نموده است:

«ما باید این اشتباه اساسی را که اغلب به هنگام مقایسه فرهنگ اسلامی با پدیده‌های مربوط به آن در تاریخ جدید اروپا پیش می‌آید، اصلاح کنیم. تفاوت عمده در آن است که در تاریخ اروپا عصر جدید، اصول دولتی آن نسبت به جهان اسلام به صورتی قاطع‌تر ارائه شده است. دولتهای اسلامی به سرعت تجزیه شدند و تشکیل سلسله‌های خاصی را دادند و در مناطق خود فرمان راندند، ولی بعضی از آنها گاه چنان سریع منقرض گشتند که نتوانستند بر افکار مردم تأثیری بگذارند. مردم حکومت دولتی را به چشم واقعه‌ای که رخ داده است می‌نگریستند، ولی هرگز اندیشه حفظ حکومت موجود به مفکرة آنان راه نداشت. بازرگانان و نمایندگان فرهنگ مادی منافع خود را با علائق این یا آن دولت وابسته نمی‌کردند. بازرگانی فرانسه و انگلیس بدون رابطه آنها با حاکمیت سیاسی قابل تصور نیست. این دو پیوندی بس عمیق دارند. حال آن که در جهان اسلام بازرگانان با حاکمیت دولتی وجه مشترکی ندارند»<sup>۱۱</sup>.

بارتولد تهاجم مغول را تهاجم کوچندگان که تنها به نیروهای مادی و معنوی خود متکی بودند تلقی نمی‌کند. به باور او هیچگاه در تاریخ دیده نشده است که کشورهای متمدن آسیای شرقی همچون چین و آسیای مقدم تحت حکومت یک قوم متحد شده باشند. دولت کوچنده خان ترک در سده ششم میلادی از چین تا بیزنس امتداد داشت، اما تنها استپ‌ها و مناطق فرهنگی مرزی را دربر می‌گرفت. اساساً اینگونه تهاجمات استیلاگرانه، از جمله هجوم ژرمنها در اروپا و حمله اعراب در آسیای شرقی صورت گرفته بود که مردم آن نواحی و حتی اقوام بربر طریق آشنایی با فرهنگ را در پیش گرفته بودند. بنابراین کوچندگان جز در مواقعی که هنوز تحت حاکمیت حکومت قدرتمندی قرار نگرفته بودند هرگز خواستار تبدیل زمین‌های کشاورزی به چراگاه و ناممکن ساختن زندگی شهری نبودند<sup>۱۲</sup>. بارتولد در پایان سخنرانی خویش در پاسخ به پرسشی درخصوص نام آذربایجان و اینکه آیا می‌توان آذربایجان را شیروان نامید چنین بیان می‌کند:

«هیچگاه شیروان به آن مفهومی که تمام خطه جمهوری آذربایجان کنونی را دربرمی‌گیرد نبوده است، شیروان قسمت کوچکی از آن را تشکیل می‌داد که مرکز آن شهر شماخی بود و اما شهرهایی چون گنجه و غیره هیچگاه جزو شیروان نبوده‌اند. هرگاه لازم بود برای همه مناطقی

که خاک کنونی جمهوری آذربایجان را شامل می‌شود نامی برگزینیم، بهتر می‌بود نام اران بر آن نهاده شود»<sup>۱۳</sup>. بارتولد در سخنرانی ششم به اثرات تهاجم و تسلط مغولان - که روسیه تا چین را تحت انقیاد درآوردند - پرداخته، ثبات سیاسی، ایجاد سازمان دولتی نیرومند، رونق تجاری، رشد معماری و ترقی علوم تجربی را از مهم‌ترین آنها برمی‌شمرد. او بر این باور است که «روپای غربی پیش از ایلغار مغول به خاور دور توجهی نداشت. پس از حمله مغولان جهانگردان و بازرگانان اروپایی از راه روسیه و سرزمین

### بارتولد به گونه‌ای روشمندانانه و منسجم، تأثیر تمرکز راه‌های بازرگانی در گسترش شهرنشینی و تضاد شهرنشینی با ساختار صنفی و گروهبندی اجتماعی جامعه ساسانی را که آیین زرتشتی مدافع آن بود، بررسی نموده و جنبش زاهدانه مانی و نهضت مساوات‌طلبانه مزدک را نتیجه چنین تضادی دانسته است

### بارتولد در سخنرانی سوم ضمن بررسی اوضاع مذهبی منطقه در جریان حمله اعراب به روند اسلامی شدن سواحل دریای خزر و نیز مقایسه تحولات اجتماعی در قسمت‌های مختلف منطقه توجه می‌نماید

اردوی زرین سفر به چین را آغاز نمودند»<sup>۱۴</sup>. از این رو وی این نظریه که عقب‌ماندگی فرهنگی روسیه را حاصل هجوم مغولان می‌داند رد کرده است و عنوان می‌کند «اکنون می‌توان گفت که به ویژه در عهد فرمانروایی مغولان راه کاروان‌رو از روسیه گذشت و روسیه به مرحله ایجاد روابط نزدیک و منسجم با شرق و اروپای غربی گام نهاد»<sup>۱۵</sup>. و در همین رابطه می‌گوید: «هرگاه ادعا کنیم که ایرانیان درجه عصری‌مقام نخست را از نظر فرهنگی کسب کرده و در مقامی بالاتر از ملل دیگر کشورها قرار گرفته‌اند، این عصر بی‌گمان عصر مغول بوده است»<sup>۱۶</sup>. او جایگاه ارزشمند ابریشم‌گیلان در تجارت بین‌المللی و فعالیت دریانوردان جنوبی در دریای خزر را که حاصل آن تهیه نقشه و اطلاعات مفید درخصوص دریای خزر و نواحی ساحلی آن بود را نتیجه شکوفایی بازرگانی به ویژه بازرگانی دریایی در این دوره می‌داند. مناقشات و ستیزه‌جویی‌های اردوی زرین و ایلخانیان بر سر آذربایجان و نیز میزان خراج مناطق ساحلی خزر از دیگر مباحث این سخنرانی می‌باشد.

بارتولد در سخنرانی هفتم با بررسی آثار جغرافی‌نگاران به تغییر مسیر رود جیحون (آمودریا) از دریای خزر به دریاچه

آرال می‌پردازد. او تحولات مذهبی در اروپا و آسیا را در قرون چهارده، پانزده و شانزده مقایسه نموده و می‌گوید اگر در اروپا مناقشات مذهبی به جدایی میان اصلاح‌طلبان و پیروان آیین کاتولیک انجامید در جهان اسلام نیز در این زمان شیعیان و سنیان یکدیگر را کافر نامیدند. او سپس با پرداختن به ساختار سیاسی و حکومتی مازندران شیعه مذهب به نهضت دراویش در این منطقه که شیوخ در رأس آن قرار داشتند و به زودی به جای اشراف و بزرگان بر مسند حاکمیت تکیه زدند، اشاره می‌نماید. بارتولد با ذکر نمونه‌ای در دودمان باوندیان چگونگی بهره‌گیری حکام از اقتدار و مشروعیت شیوخ را به منظور ایجاد موازنه قدرت تشریح کرده است. در این مورد فرمانروایی از دودمان باوندیان به دست سردار خود افراسیاب نامی کشته شد و سردار مذکور برای تحکیم حاکمیت خود به درویشان متوسل گردید. اما به زودی قدرت یابی تدریجی دراویش تعادل قدرت را به نفع آنها برهم زد که به پیروزی نهایی ایشان انجامید. بارتولد همچنین به اتحاد شیوخ مازندران و گیلان علیه حکومت غیرمذهبی، نقش شیوخ در درگیری حکام استرآباد و فرمانروایان رستمدر و روابط شیوخ با تیمور پرداخته است. او چگونگی طریق یکجانشینی خان‌های آسیای مرکزی در مسیر لشکرکشی‌ها، ایجاد شهرها، تعارض و تصادم میان خان‌ها و تابعانشان علیه این تحول و کلاً فرآیند تشکیل و تأسیس حکومت تیموریان را شرح داده می‌گوید: «ایجاد شهرها به مفهوم قطع رابطه با کوچندگان و متحدان کوچروشان تلقی می‌شد»<sup>۱۷</sup> او در تحلیل اقدامات تیمور بر سه عامل تبار و اصل و نسب، اصول جنگی و احترام به سلاله پیامبر (ص) تأکید ورزیده است.

بارتولد در سخنرانی هشتم ضمن مقایسه لشکرکشی تیمور و چنگیز به تأثیر لشکرکشی‌های تیمور در مناطق ساحلی دریای خزر پرداخته است. در تهاجم تیمور به مازندران شیوخ پس از ناکامی تلاششان در مصالحه با او، درصدد سازش با حکامی برآمدند که در گذشته با آنها در ستیز بودند. اما هم فرمانروای رستمدر و هم حاکم استرآباد طوری عمل کردند که گوئی متحد تیمورند. مازندرانیان شکست خوردند و تیمور به جرم گناه مذهبی، آنها را سرکوب کرد. اما پس از آن چند تن از سادات در سلک سپاهیان او در آمدند و در لشکرکشی‌ها شرکت ورزیدند و از این طریق به بخشی از اراضی زیرفرمان خود دست یافتند.

بارتولد در تشریح وضع سیاسی قفقاز در عصر حمله تیمور، این چنین می‌گوید:

«در جنوب حکومت مغولی ایران وجود داشت که در دست دودمان جلایریان و شهر مهم آن تبریز بود. در شمال، خانه‌های اردوی زرین فرمانروایی داشتند. اینان می‌کوشیدند تا بر مناطق ساحلی اطراف خزر مسلط شوند. پایین‌تر از آن منطقه تحت فرمان شیروان‌شاهان بود که تا ظهور دودمان جدید دربندیان دوام یافت. در داغستان مناطق مستقل کوچکی فارغ از وابستگی وجود داشتند»<sup>۱۸</sup>.

او همچنین در مورد ارزش گزارش‌های جهانگردانی چون مارکوپولو عنوان می‌کند:

«همه می‌دانند که اینان زندگی مغولان را به میزان



قابل ملاحظه‌ای به شرح آورده و روشن ساخته‌اند روبروی که از جهانگردان سده ۱۳ میلادی و آگاه‌ترین و باسوادترین آنها بوده، با استناد به ویرزیل اطلاعات جالبی راجع به کاربرد نوشتار و غیره ارائه کرده است. مارکوپولو مردی بازرگان و کم‌سواد بود. او منصفانه به شرح مشاهدات خود پرداخت، ولی در همه موارد نتوانست میان دیده‌ها و شنیده‌های خویش تفاوت محسوس قابل شود<sup>۱۸</sup>.

بارتولد در ادامه مباحثاتش، درخصوص حکومت شیوخ به شیخ صفی‌الدین اردبیلی و حکومت شیعی صفویان توجه نموده است. او به مقایسه ساختار سیاسی در تاریخ قدیم و جدید اسلامی پرداخته می‌گوید:

«در تاریخ اسلامی جدید اختلافی اساسی با تاریخ اسلام در سده‌های میانه مشاهده می‌کنیم. به خلاف دوران قرون وسطا که سلسله‌ها به سرعت جای یکدیگر را می‌گرفتند، دولت‌ها از دیدگاه سیاسی ناپایدار بودند، حکومتها ابعاد کوچکی داشتند و به همین مناسبت فقدان روح میهن‌پرستی مشاهده می‌شد، دولتی متحد و متشکل پدید آمد<sup>۱۹</sup>».

مشاریه در تحلیل پایداری سیاسی در شرق بیش از همه بر ثبات برجای مانده از سازمان قدرتمند دولتی مغولان تأکید می‌ورزد و این در حالی است که شرق دیگر صاحب جایگاه برتر فرهنگی نیست. او عنوان می‌کند:

«ضاد فرهنگی جهان اسلام با اروپای غربی درخور توجه است. در امپراتوری روم متعاقب سقوط سیاسی، سقوط مذهبی و فرهنگی روی داد. در شرق انحطاط فرهنگی پیش از سقوط سیاسی صورت گرفت. در آن هنگام که جهان اسلام از پیشرفت بازماند و برتری فرهنگی خود نسبت به اروپا را از دست داد به موفقیت‌های سیاسی عمده‌ای دست یافت<sup>۲۰</sup>».

او نشانه‌های انتقال مقام نخست فرهنگی به اروپا را اولاً دستیابی اروپائیان به اسلحه گرم و ثانیاً پیشی گرفتن آنان در فن دریا، دریانوردی و کشتیرانی می‌داند. در این سخنرانی مشارالیه به کشمکش مداوم عثمانی‌ها و صفویان بر سر قفقاز و تصرف شیروان، باکو و دربند به دست عثمانیان و بازپس‌گیری آن از سوی صفوی‌ها، حملات روس‌ها به مناطق شمالی ایران در زمان پترکبیر و تلاش آنها در جهت تحکیم سلطه خویش بر دریای خزر، نقش گرجستان در مناسبات ایران و روسیه و تأثیر اوضاع داخلی این کشور در تسلط روس‌ها پرداخته است.

سخنرانی دهم بارتولد به منابع و مأخذ مربوط به مناطق اطراف دریای خزر اختصاص دارد:

او در این گفتار با پرداختن به ویژگی‌های تاریخنگاری در هر دوره به معرفی و طبقه‌بندی نقادانه منابع توجه نموده است. به باور او «در ایران حتی در عصر ساسانیان هم به جای تاریخ رسمی تنها حماسه رسمی وجود داشت که صورت مشخصه آن فقدان دورنمای تاریخی است»<sup>۲۱</sup>. بارتولد آثار مادی، روایات زرتشتی و منابع ارمنی و سریانی را از مهم‌ترین منابع دوره پیش از اسلام می‌داند. او با ذکر این نکته که در قرون نخستین اسلامی در بسیاری از منابع عربی داستان‌نگاری تاریخی مقدم بر سالنامه‌نگاری بوده است نوشته‌های طبری، ابوالفداء، ابن اثیر، بلاذری، یعقوبی و

گردیزی را حائز اهمیت تلقی می‌کند. در عصر مغول او با اشاره به رشد ادبیات تاریخی به زبان فارسی و، به کتاب جامع‌التواریخ اثر رشیدالدین فضل‌الله پرداخته، می‌گوید «اقدام به کاری چون گنجاندن تاریخ جهانی در یک کتاب با شرکت دانشمندان کشورهای مختلف از اقیانوس اطلس تا اقیانوس کبیر کاری است که بعدها حتی یک بار هم تکرار نشد و در حال حاضر نیز به جهت وجود اختلافات فاحش در روایات فرهنگی این کشورها، انجام آن میسر نیست»<sup>۲۲</sup>. بارتولد تاریخ بناکتی و آثار جغرافیایی و تاریخی حمدالله مستوفی را

### بارتولد در سخنرانی چهارم خویش به شرح وضعیت نواحی اطراف دریای خزر در دوره تهاجم ترکان می‌پردازد و ضمن مقایسه سازمان تبلیغی مسیحیت و اسلام نقش در اویش در ترویج اسلام در میان ترکان صحرائشین را مورد بررسی قرار داده است

### در سخنرانی پنجم تأثیر تشکیل، استقرار و فروپاشی دولت خوارزم در مناطق ساحلی خزر بررسی شده است

### سخنرانی دهم بارتولد به منابع و مأخذ مربوط به مناطق اطراف دریای خزر اختصاص دارد

از دیگر منابع این دوره برای بررسی تاریخ خزر می‌داند. وی تأسیس دولت‌های بزرگ در عثمانی و ایران در روزگار صفوی را نقطه عطفی در تاریخنگاری تلقی می‌کند، چه از این زمان تاریخ‌نگاری رسمی در هر دو کشور بوجود آمد «ولی برخلاف چین تاریخ مطابق مدارک بایگانی نوشته نمی‌شد»<sup>۲۳</sup>.

در پایان این کتاب خلاصه‌ای از تاریخ آذربایجان که در حقیقت برگرفته از سخنرانی‌های گذشته می‌باشد، ارائه گردیده است. نام آذربایجان و مسئله ارتباط این نام با آیین زرتشتی، جغرافیای تاریخی آن، تاریخ آلبانیا (اران) و رابطه آن با آذربایجان و نیز اختلاف قومی، زبانی و مذهبی این دو منطقه، وحدت سیاسی سه منطقه آذربایجان، اران و آرمستان در روزگار اسلامی، موقعیت سیاسی تبریز و آغاز ترکی شدن آذربایجان در روزگار اتابکان از مباحث مهم مقاله می‌باشد. در پایان و در ارزیابی نهائی این مجموعه توجه به دو نکته ضروری می‌نماید: ابتدا اینکه به نظر می‌رسد بارتولد با توجه به تخصص تاریخی‌اش درخصوص تاریخ مغول چنانکه استاویسکی نیز به درستی اشاره نموده، تأکیدی بیش از حد بر اهمیت تهاجم مغول در شکوفائی تجاری و ثبات سیاسی

ایران، روسیه و چین داشته است. دوم اینکه بارتولد در این دوره سخنرانی‌ها، اگرچه به تاریخ مناطق ساحلی خزر امعان نظر داشته، اما ضمن بازبینی تاریخ ایران و آسیای میانه روشمندان و منسجم با مقایسه تحولات اروپا و آسیا به ویژگی‌های تاریخی دو جامعه در دوره‌های مختلف پرداخته است: تعارض حاکمیت مذهبی و غیرمذهبی، تمایزات سازمان مذهبی مسیحیان و مسلمانان، تفاوت جایگاه پاپ و خلیفه، چگونگی انشقاق مذهبی در اسلام و مسیحیت و اختلاف تشکیلات صنفی بازرگانان در اروپا و آسیا از مهم‌ترین مباحث این گفتارها می‌باشد. اما بنظر می‌رسد بارتولد در پاره‌ای از موارد تبیین روشنی از امور ارائه نموده و گاه به خطا رفته است. او در بیان تفاوت‌های سازمان صنفی تجار در اروپا و آسیای اسلامی بیش از همه بر عدم پایداری سیاسی، تجزیه و فروپاشی سریع حکومت‌ها و شکل‌نگرفتن «اصول دولتی» و در نتیجه عدم پیوستگی منافع بازرگانان با دولت در جهان اسلام تأکید ورزیده است، اما او از تحلیل ساختار سیاسی و حکومتی در شرق که مبتنی بر تلفیق اصول سنتی پادشاهی و قدرت شاه در مقام دارنده فره ایزدی غفلت نموده است. به نظر می‌رسد آن‌چه بارتولد پیوند عمیق بازرگانان و حاکمیت سیاسی در غرب نامیده، در واقع امنیت سیاسی و مالی تجار در سایه حاکمیتی قانونمند بوده است، امنیتی که بدون تردید در شرق وجود نداشته است.

#### پانویس‌ها:

۱. بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ: جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام، ترجمه لیلا رین‌شه، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵، ص ۵.
۲. همان، ص ۱۱.
۳. همان، ص ۱۵.
۴. همان، ص ۳۸.
۵. همان، ص ۵۴.
۶. همان.
۷. همان، صص ۲-۶۱.
۸. همان، ص ۶۳.
۹. همان، ص ۶۲.
۱۰. همان، ص ۶۷.
۱۱. همان، ص ۶۸.
۱۲. همان، صص ۷۱-۷۰.
۱۳. همان، ص ۸۳.
۱۴. همان، ص ۸۵.
۱۵. همان، ص ۸۹.
۱۶. همان، ص ۱۰۹.
۱۷. همان، ص ۱۲۲.
۱۸. همان، ص ۱۲۳.
۱۹. همان، ص ۱۲۱.
۲۰. همان، ص ۱۲۲.
۲۱. همان، ص ۱۵۲.
۲۲. همان، صص ۵۶-۱۵۵.
۲۳. همان، ص ۱۵۸.